

بسم الله الرحمن الرحيم

معنای جهاد و تفاوت آن با کار و تلاش از منظر آیت الله محمد فاضل استرآبادی

چکیده

در آیات و احادیث متعدد فضائل دنیوی و اخروی جهاد مطرح شده است. به موجب آیات قرآن، کسانی که جان و مالشان را در راه خدا فدا کنند در درگاه الهی از دیگر مسلمانان برترند و خداوند به آنها مژده بهشت و دستیابی به مقام شهادت داده است. در متون دینی، علاوه بر این معنای خاص و اصطلاحی، جهاد به مفهوم لغوی و عام خود نیز بسیار به کار رفته است، مانند کاربرد تعبیر «جهاد اکبر» درباره مجاهدت و تلاش نفس در برابر شیطان و هوای نفس. همین مسئله، اهمیت جهاد را تبیین می‌کند. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال بر آمد، جهاد به چه معناست و چه تفاوتی با فعل و سعی دارد؟ و تلاش کرد با تفکرات عالم دانشمند، حضرت آیت الله فاضل، به این سؤال پاسخ دهد. از نگاه این دانشمند بزرگ، جهاد بدین معناست که یک فرد، بیشتر از توان و زمان خود کار کند. و تفاوتش با فعل و سعی در این است که «فعل» انجام کار به صورت عادی است و «سعی» انجام کار با تمام توان و زمان.

کلیدواژه: جهاد، فعل، سعی، آیت الله محمد فاضل استرآبادی

مقدمه

واژه جهاد از ماده جهد است که در کتب لغت به معنی تلاش و کوشش همراه با تحمل سختیها و گرفتاری ها برای رسیدن به ارمان و هدف است، گرفته شده. تمام مشتقات این واژه، از قبیل اجتهاد و مجتهد، همین معنا را دربردارد؛ برای نمونه، جهاد به معنی رزمیدن و پیکار کردن با دشمن قوی و نیرومند است. مهم ترین کاربرد این واژه در متون دینی، مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی های دیگر خود با هدف گسترش اسلام یا دفاع از آن است. (ابن عابدین، 1407، ج ۳، ص ۲۱۷؛ هیکل، 1417، ج ۱، ص ۴۴)

در احادیث برخی از کارها به مثابه جهاد شمرده شده اند، که ظاهراً برای ارج نهادن به این کارها بوده است؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر، سخن گفتن به عدالت در برابر سلطان ستمگر، تلاش مرد برای زنده کردن ستّی نیکو در جامعه، خوب شوهرداری کردن زن و تلاش مرد برای کسب روزی حلال برای خانواده. (کلینی، 1401، ج ۴، ص ۲۵۹، ج ۵، ص ۹ - ۱۰، ۱۲، ۶۰، ۸۸؛ مناوی، 1391، ج ۳، ص ۳۶۶؛ حرّ عاملی، 1991، ج ۱۶، ص ۳۴؛ هیکل، 1417، ج ۱، ص ۴۶ - ۴۷، ۱۰۹ - ۱۱۰)

در مقابل واژه «جهاد» دو واژه «سعی» (تلاش) و «فعل» (کار) وجود دارد که به نظر می رسد تفاوت معناداری بین معنای «جهاد» با این دو واژه وجود داشته باشد.

اما اینکه چه تفاوتی بین واژه جهاد با این دو واژه وجود دارد، در بین مفسران و ادیبان عرب نظرات مختلفی وجود دارد. یکی از کسانی که در این مسئله صاحب نظر است حضرت آیت الله محمد فاضل استرآبادی است.

حضرت آیت الله محمد فاضل استرآبادی، مؤسس مدرسه علمیه فیضیه مازندران و مدرّس این مدرسه بودند که همواره بر اهمیت ادبیات عرب و تدریس و تأکید فراوان داشتند. آیت الله فاضل در سال های متمادی ادبیات عرب را تدریس می کردند و حتی برای تقویت طلاب در ادبیات عرب، هر جا طلاب را می دیدند، از ایشان سؤال ادبیاتی می پرسیدند.

مقاله حاضر درصدد است تا نظریه حضرت آیت الله محمد فاضل استرآبادی را در مورد معنای جهاد و تفاوت آن با سعی و فعل بررسی کند.

1. معنای فعل و سعی و جهاد در ادبیات عرب

1-1. فعل

فعل اسم حدّی است کنایه از حرکت انسان و گفته شده که کنایه است از هر عملی که انسان انجام می دهد (شرتونی، 1416، ج 4، ص 183؛ فیروزآبادی، 1426 ق، ص 1026)

در اصطلاح گفته‌اند: فعل مؤثر بودن چیزی است در غیر خود چون قاطع مادامی‌که برنده و قاطع است و آن چهار قسم است: اول فعل علاجی و آن فعلی است که حدوثش احتیاج به تحریک عضوی از اعضاء داشته باشد چون ضرب و شتم، دوم فعل غیر احتیاجی و آن فعلی است که احتیاج به عضوی نداشته باشد چون علم و ظن، سوم فعل اصطلاحی و آن لفظی است که به تلفظ درآید چون ضرب که فقط قائم به لفظ باشد، و چهارم فعل حقیقی که آن مصدر است چون ضرب. (جرجانی، 1407، ص 147)

1-2. سعی

سعی، مصدر است به معنای سرعت بخشیدن در راه رفتن و گفته شده که واژه سعی، برای راه رفتن سریع وضع شده است و بقیه معانی‌ای که دارد، متفرع بر همین است. (شرتونی، 1416، ج 2، ص 671).

اما به نظر برخی از لغت‌شناسان، سعی در لغت به معنای تصرف در هر عملی است ولی در بیشتر موارد برای راه رفتن به کار می‌رود. (عبدالمنعم، بی‌تا، ج 2، ص 269). راغب هم به همین قائل شده است و در ادامه می‌آورد که این کلمه در موردی که شخصی تلاش می‌کند در امری، استعمال می‌شود؛ مانند قوله تعالی: «وَسَعَى فِي خَرَابِهَا» (البقرة/ 114)، «نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» (التحریم/ 8)، «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» (المائدة/ 64)، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ» (البقرة/ 205)، «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (النجم/ 39-40)، «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى» (اللیل/ 4)، «وَسَعَى لَهَا سَعَىهَا» (الإسراء/ 19)، «كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (الإسراء/ 19) و «فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ» (الأنبياء/ 94) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص 411).

در التحقیق، اصل این ماده را به معنای مرتبه‌ای از جهد میدانند که آن را سعی بلیغ ترجمه کرده است. و ادامه می‌دهد که این معنا در موردی مختلف است و کل شیء بحسبه. پس در مشی و طی طریق، به معنای مصمم بودن و آمادگی مقدمات و عدم سهل انگاری در حرکت است. در تجارت، به معنای دقت و مراقبت است. در آزاد سازی عبد، به معنای تحصیل مقدمات مالی و غیر مالی است. (مصطفوی، 1430، ج 5، ص 131)

1-3. جهاد

جهاد به معنای مبالغه و بکارگیری تمام توانایی در جنگ یا سخن و یا هر چیزی است. (ابن منظور، بیتا، ج 3، ص 135)

همانطور که ابن اثیر گفته است، جهاد به کسر فاء، در لغت یعنی گذاشتن تمام توان در کار و سخن؛ و جَهْدَ الرجل فی الشیء یعنی جَدَّ فيه و بِالْع؛ (ابن اثیر و دیگران، 1367، ج 1، ص 319) و همانطور که در جامع الرموز آمده است، در شریعت به معنای جنگ با کفار است؛ اعم از کشتن، زدن، ویران کردن

معابد آنها، غنمیت بردن اموال آنها و شکستن بت‌ها. (تھاونی و دیگران، 1996، ج 1، ص 598)

مفسرین ذیل آیه «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/52) میفرمایند: جِهَاد (به کسر اوّل) مصدر است بمعنی تلاش و نیز اسم است بمعنی جنگ و جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است. در قاموس و مفردات گفته‌اند جهد (به فتح اوّل و ضمّ آن) صعوبت و مشقّت است. در اقرب الموارد آنرا تلاش توأم با رنج معنی می‌کند. صحاح، طاقت (سختی) گفته است. در مجمع البیان ذیل آیه 217 بقره میفرماید: «جَاهَدْتُ أَلْعَدُوَّ» یعنی در جنگ با دشمن مشقّت را بر خود هموار کردم و در ذیل آیه 79 توبه فرموده: جُهْد به ضمّ اوّل و فتح آن هر دو به يك معنی و آن وادار کردن خود بر مشقّت است و از شعبی نقل شده که جَهْد (به فتح اوّل) در عمل و جهد (به ضمّ اوّل) در قوت و طعام است و از قتیبی نقل است که جهد به فتح، مشقّت و به ضمّ، طاعت است. بنا بر اقوال گذشته معنای «فلانی جهاد کرد»، آن است که قدرت خود را بکار انداخت، متحمّل مشقّت گردید، تلاش توأم با رنج کرد. جامع همهٔ اقوال، قول اقرب الموارد است؛ پس جهد و جهاد یعنی: تلاش توأم با رنج. (قرشی، 1371، ج 2، ص 78)

«جهاد» از ریشهٔ «جَهْد» و «جُهْد» به معنای طاقت است و نیز گفته شده که «جَهْد» به معنای مشقّت و «جُهْد» به معنای طاقت و نیروست. اکثر لغت‌شناسان، جهاد را به معنای به کار بستن تمام توان و نیرو آورده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۳ و مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۲). جهاد، محاربه با دشمنان است که به معنای به کار بردن نهایت توان و تلاش قولی و عملی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج 3، ص 133).

اگر جهاد را از ریشهٔ «جَهْد» بدانیم، مجاهد کسی است که تمام توان و قدرت خود را در هدف به کار گیرد و اگر از ریشهٔ «جُهْد» بدانیم، مجاهد کسی است که با طیب خاطر در فراخنای دشواریها و مشکلات گام می‌گذارد و برای رسیدن به اهداف خود، در سنگلاخ هستی پیش می‌تازد و سرافرازی خود را در عرصهٔ پیکار جستجو می‌کند (نوری، ۱۳۶۷، ص 14).

2. معنای فعل و سعی و جهاد از نگاه آیت الله فاضل استرآبادی
آیت الله فاضل، برای معنای کلمات فعل، سعی و جهاد نگاه جدیدی ارائه می‌دهد که نسبت به معانی لغوی که برای آن‌ها گفته شده است، متفاوت است. ایشان در معانی این سه کلمه چنین عقیده دارند که هر سه به معنای واحد دارند منتها در هر یک از آن‌ها، میزان خاصی از توان به کار گرفته می‌شود و همین قید باعث تفاوت معنای این سه کلمه از یک دیگر می‌شود. با توجه به دیدگاه آیت الله فاضل، معنای این کلمات از این قبیل است:

فعل: آیت الله فاضل معنای فعل را به معنای انجام کار به صورت عادی، یعنی با توان و زمان یک انسان معمولی می‌داند.
 سعی: ایشان سعی را به معنای تلاش می‌دانند. از نگاه ایشان، تلاش بدین معناست که یک فرد، با تمام توان و زمان خود، کاری را انجام دهد.
 جهاد: از نگاه این دانشمند بزرگ، جهاد بدین معناست که یک فرد، بیشتر از توان و زمان خود، کاری را انجام دهد. (فاضل، 1394)

نتیجه

مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان درمورد جهاد تبیین می‌فرمایند: جهاد یعنی تلاش در مقابله‌ی با دشمن. هر تلاشی جهاد نیست، جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد... مهم این است که ما عرصه جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد یک روز میدان، میدان نظامی است مثل دوران دفاع مقدس و دوران دفاع از حرم، یک روز عرصه، عرصه علم است یک روز عرصه، عرصه خدمات اجتماعی و اقتصادی است خدمت به مردم، لکن از همه اینها مهم‌تر عرصه تبیین و روشنگری است، ما از خودمان سؤال کنیم که در این جهادی که وجود دارد کجای این جبهه قرار داریم؟ در کجا ایستاده و حضور داریم؟ از آنجا که یکی از مقومات جهاد تبیین، جهاد است، لازم است برای فهم بهتر جهاد تبیین، معنای دقیق جهاد مشخص شود.

از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال برآمد، جهاد به چه معناست و چه تفاوتی با فعل و سعی دارد؟ و تلاش کرد با تفکرات عالم دانشمند، حضرت آیت الله فاضل، به این سؤال پاسخ دهد.
 از نگاه این دانشمند بزرگ، جهاد بدین معناست که یک فرد، بیشتر از توان و زمان خود کار کند. و تفاوتش با فعل و سعی در این است که «فعل» انجام کار به صورت عادی است و «سعی» انجام کار با تمام توان و زمان.

فهرست منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- 1. ابن اثیر، مبارک بن محمد، زاوی، طاهر احمد، و طناحی، محمود محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. ۵ ج. قم، چاپ اسماعیلیان، 1367.
- 2. ابن حمید، صالح بن عبدالله، و ابن ملوح، عبدالرحمن ابن محمد، موسوعة النضرة النعیم فی مکارم اخلاق رسول الکریم صلی الله علیه و آله و سلم، جده: دارالوسيلة، 1426
- 3. ابن عابدین، ردّ المحتار علی الدر المختار، چاپ سنگی مصر ۱۲۷۱-۱۲۷۲، چاپ افست بیروت، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۷.

4. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ١٥ ج، بيروت، لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع. 1414 ق.
5. تفليسي، جيش، وجوه قرآن تفليسي. به كوشش مهدي محقق، تهران، انتشارات حكمت، 1396
6. تهانوی، محمد علی بن علی، عجم، رفيق، خالدی، عبد الله، دحروج، علی فرید، و زیناتی، جورج، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ٢ ج، بيروت، لبنان، مكتبة لبنان ناشرون. ١٩٩٦.
7. جرجانی، علی بن محمد، التعريفات، 1 ج، نشر ناصر خسرو، بیتا
8. جوهری، ابو نصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ترجمه و تحقيق عطار، احمد عبدالغفور، 6 ج، لبنان، بيروت، چاپ چهارم، 1407 ق
9. حرّ عاملی، احمد عبدالكريم حلوانی، ابن عساكر و دوره فی الجهاد ضدالصليبيين فی عهد الدولتين النورية و الايوبيه، دمشق، ١٩٩١.
10. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، 1 ج، بيروت، انتشارات دارالقلم، 1412 ق
11. سجادي، سيدجعفر، فرهنگ اسلامي، تهران، كوشش، 1379
12. شرتونی، سعيد، أقرب الموارد في فصح العربية و الشوارد ٥ ج، ايران، تهران، نشر اوقاف، ١٣٧٤-١٤١٦
13. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، 3 ج، تهران، انتشارات ناصرخسرو، 1372
14. طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، 3 ج، تهران، انتشارات مرتضوی، 1375
15. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية. ٣ ج، قاهره، مصر، دار الفضيلة، بیتا.
16. فاضل استرآبادی، محمد، مصاحبه حضوری، 1394 (25 خرداد).
17. فراهیدی، خليل بن احمد، العين 9 ج، قم، ايران، مؤسسة دار الهجرة، ١٤٠٩-١٤١٠
18. فيروزآبادی، مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، تحقيق مكتب تحقيق التراث في مؤسسة الرسالة بإشراف محمد نعيم العرقسوسي، 1 ج، لبنان، بيروت، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ هشتم، 1426 هـ - 2005 م
19. قرشي، علی اكبر، قاموس قرآن، ٧ ج. تهران، ايران، دار الكتب الإسلامية. ١٣٧١-١٣٧٢
20. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، چاپ علی اكبر غفاری، بيروت، ١٤٠١.
21. مصباح يزدي، محمدتقي، جنگ و جهاد در قرآن، قم، مركز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني (ره)، 1387
22. مصطفىوي، حسن التحقيق في كلمات القرآن الكريم، 14 ج، بيروت، انتشارات دارالكتب العلمية، 1430 ق

23. مناوی، محمد عبدالرووف بن تاج العارفين، فيض القدير: شرح الجامع الصغير، بيروت، ١٣٩١/١٩٧٢.
24. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام، بيروت، ١٩٨١.
25. نوري، حسين، جهاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٦٧.
26. هيكل، محمد خير، الجهاد و القتال فی السياسه الشرعيه، بيروت ١٤١٧/١٩٩٦.